



خیزش های مردمی، دفاع مشروع، جنگ عادلانه

از روزی که خود را شناختم، جنگ و صلح اصطلاحات هستند که ذهنم را به خود مشغول ساخته است.

جنگ های چهل ساله وطن ما، جنگ عراق و ایران، جنگ یوگوسلاوی ، جنگ های بهار عربی، جنگ سوریه ، جنگ روسیه و اوکراین .. و بلاخره در کدام گوشه ی کره زمین نیست که خون انسانی در جنگی نچکیده باشد . جالبتر اینکه ، همه گروه های متخاصم و طرفین درگیر جنگ (چه متهاجم و چه هم مدافع) هر کدام برای توجیه "اخلاقی و عادلانه" بودن شان در جنگ کوشیدند.

پرسی که در این رابطه خلق میشود اینست که ، جنگ ها با همه ویرانگری های که به بار می آورد، آیا میتواند " اخلاقی و عادلانه " باشد ؟ مگر نشنیده ایم که گفتند " در جنگ حلوا پخش نمی شود ؟" اصلاً " جنگ عادلانه " چیست؟

جنگ، آنطوری که فیلسوفان گفتند، پدیده ی طبیعی است که در وجود هر انسان ریشه دارد که از گذشته های دور بشر آغاز و تا آینده های دور با آن مواجه خواهند بود.

جنگ با آنکه یک عمل زشت، منحوس و ویرانگر تلقی میشود، اما زمینه های شگوفایی را در میدان علم، پیشرفت تمدن و فرهنگ ها فراهم آورده ، حتی سبب شده تا محرومان و ستمدیدگان به پا خیزند و برای حقوق از دست رفته شان دست به سلاح ببرند که همین مسئله را " مشروعیت جنگ " یا " جنگ عادلانه " می نامند.

نظریه ای " جنگ عادلانه " تاریخ طولانی دارد و حتی در بخش های کتاب مقدس به علل و دلایل عادلانه بودن آن اشاره شده است. اما از زمان حملات تروریستی یازده سپتامبر نظریه ای " جنگ عادلانه " موضوع شایع تر از هر زمان دیگر شده که توجه کارمندان علوم سیاسی ، نظامی و حقوقدانان را بیش از پیش معطوف ساخته است.

اگر چه بحث حقوقی " جنگ عادلانه " بسیار وسیع و گسترده است و بیشتر در دادگاه های بین المللی، مثلاً - کنوانسیون های ژنو و لاهه به تخطی ها، موازین و موارد حقوقی آن پرداخته میشود ، ولی اگر اجازه داشته باشیم که کوتاه اشاره ی به " جنگ عادلانه " کنیم، جنگ های عادلانه با آغاز تهاجم غیرعادلانه بالای کشوری، ملتی، گروهی (حتی شخصی) ، که مرز های خاکی، نقض عدالت اجتماعی، عزت، شرف، غرور، حقوق، حریم خصوصی و غیره آنها مورد تهاجم صورت گیرد ، در آنصورت دفاع از خودشان در برابر مهاجم عقلاً و (حقاً!) یگانه دلیل کافی برای هدف " جنگ عادلانه " است.

گر چه جنگ ها چه عادلانه چه غیرعادلانه ، چه تهاجمی چه تدافعی هر نوعش نامیمون و ناخجسته است و بازنده ؛ اما به قول «آئلیوس آرستیدس» فیلسوف یونان باستان که میگوید :

جنگ تهاجمی ناعادلانه است ، جنگ تدافعی هم از آن جهت که تحت اجبار است، ننگین است. چون اراده و تصمیم ذاتاً با اجبار ناسازگار است ، اما آنکه تحت اجبار عادلانه عمل میکند، بهتر است از آنکه به خواست و اراده خود تجاوز میکند.

بر گردیم به وطن خود ما، آنطوری که در بالا صحبت از "جنگ عادلانه" آمد، آیا جنبش های آزادیخواه، خیزش های مردمی و بخصوص در این اواخر تظاهرات و دادخواهی زنان و جوانان کشور برای بدست آوردن آزادی، نان، حق کار و سهمیم بودن در ساختار حکومت، مبارزه علیه مزدوران و اجیرانِ کارتل ها، کنسرن ها و شرکت های بزرگ صنعتی جهان که با نام های (جهادی، طالب، داعش، تحریر و فاطمیون..) عرض اندام کردند جنگ عادلانه نیست؟ یا اینکه جنگ ها چه اخلاقی، چه مشروع، چه عادلانه و چه هم غیر عادلانه، از هر نوعش توجیه پذیر نیست و نباید بوقوع بیوندند؟ شما چه فکر میکنید؟

باید افزود، در احوال جاری و اسفبار کنونی مبارزه مدنی بر علیه طالبان یگانه روش درست و مبتنی بر مصالح علیای افغانستان است و چنانچه نتایج آن در وجود شجاعت زنان و جوانان وطن، جهان را متوجه مصائب افغانستان ساخته است.

به امید روزی که هیچ جنگی تمت هیچ نامی نباشد و صلح و آرامش بر تمام کره زمین مستولی شود و هیچ قشری از انسان ها مظلوم واقع نگردیده و مقوق نشان در مالت ائتلاف قرار نگیرد!

نجلا تیموری پنجم مارچ ۲۰۲۲